

تأثیر به کارگیری آموزش مهارت‌های زندگی توسط معلمان بر کنترل رفتار  
زورگوئی دانش‌آموزان پایه پنجم و ششم مدارس ابتدایی شهرستان میناب  
خدیدجه صفری\*

چکیده

این مقاله اثربخشی بررسی آموزش مبتنی بر مهارت‌های زندگی در کاهش زورگویی دانش‌آموزان پسر و دختر پایه پنجم و ششم ابتدایی میناب را بررسی می‌کند. نوع پژوهش شبه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل است که جامعه آماری دانش‌آموزان پسر و دختر پایه پنجم ششم ابتدایی شهرستان میناب است که در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ مشغول به تحصیل بودند. به منظور اجرای پژوهش پس از انجام جامعه‌سنجی و اجرای پرسشنامه روابط با همگان (که بخشی از آن زورگویی کودکان را اندازه‌گیری می‌نماید)، ۸۰ نفر از کودکانی که بر اساس تحلیل نتایج جامعه‌سنجی و نمرات کسب شده در پرسشنامه روابط با همگان، به عنوان زورگو طبقه بندی شده بودند به صورت تصادفی در چهار گروه ۲۰ نفره آزمایش و کنترل جایگزین شدند. هر دو گروه آزمایشی، به مدت ۹ جلسه (در هر هفته یک جلسه) در برنامه آموزش مبتنی بر مهارت‌های زندگی مورد آموزش قرار گرفتند، ولی دو گروه کنترل هیچگونه آموزشی دریافت نکرد. هر چهار گروه آزمایشی و گروه کنترل پس از ۲ ماه، مورد بررسی مجدد قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ۲۰ و با استفاده از شاخص‌های توصیفی و آزمون تحلیل کواریانس چند متغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج تفاوت معنی داری

safari\_khadijeh@yahoo.com

\* کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، غیر دولتی رشد

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۵



( $P < 0/001$ ) را در مرحله پس آزمون بین دو گروه آزمایشی و کنترل نشان داد. نتایج در مرحله پیگیری نیز تفاوت معناداری ( $P < 0/001$ ) را بین دو گروه آزمایشی و کنترل نشان داد. با توجه به وجود تفاوت معنی دار بین گروه‌های آزمایشی و کنترل در پس آزمون و در دوره پیگیری می توان گفت که برنامه آموزش مبتنی بر مهارت‌های زندگی به عنوان روش آموزشی موثر و مکمل برای کاهش زورگویی در کودکان زورگو، قابلیت استفاده دارد. نتایج بر اساس بنیادهای نظری مورد تبیین قرار گرفته‌اند.

**کلید واژه:** زورگویی، آموزش مهارت‌های زندگی، دانش‌آموزان میناب

#### مقدمه

زورگویی، شکل خاصی از رفتار سلطه جویانه است و می‌توان آن را به صورت موقعیتی که در آن دانش‌آموز به طور مکرر و مداوم در معرض اعمال منفی فرد دیگر قرار می‌گیرد، توصیف کرد (الویوس، ۱۹۹۳). این اعمال منفی موقعی اتفاق می‌افتند که عدم تعادل بین قربانی و مهاجم وجود دارد. رفتار زورگویانه می‌تواند جسمانی، (مثلاً صدمه زدن، هل دادن، لگد زدن)، کلامی (مثل اسم گذاشتن، خشمگین کردن، تهدید کردن، تهمت زدن)، یا می‌تواند شامل سایر رفتارها شود، مثل شکلک در آوردن یا محروم سازی اجتماعی.

مطالعات در چندین کشور شیوع ۸ تا ۴۶٪ را برای کودکان قربانی و ۵ تا ۳۰٪ را برای افرادی که مرتباً زورگویی می‌کنند، نشان می‌دهد (الویوس، ۱۹۹۱؛ موایج<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳؛ گنتا<sup>۳</sup> و همکاران ۱۹۹۶؛ بورگ<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹؛ جونگر-تاس<sup>۵</sup> و کسترن<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹؛ نانسِل<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۱؛ ولک<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۱). زورگویی مداوم، به عنوان رفتار عود کننده که تکرار آن چندین بار در ماه، گاهی اوقات یا به صورت هفتگی است،

<sup>۱</sup>Olweus

<sup>۲</sup>Mooij

<sup>۳</sup>Genta

<sup>۴</sup>Borg

<sup>۵</sup>Junger- Tas

<sup>۶</sup>Kesteren

<sup>۷</sup>Nansel

<sup>۸</sup>Wolke



تعریف می‌شود. پسران اغلب در مقایسه با دختران در زورگویی فعال‌ترند و زورگویی پسران مستقیم‌تر است (مثلاً ضربه زدن، لگد زدن). زورگویی دختران غیر مستقیم‌تر است (مثل راه ندادن دیگران، شایعه پراکندن) که گاهی به عنوان زورگویی ارتباطی از آن یاد می‌کنند (کریک<sup>۱</sup> و گروتپتر<sup>۲</sup>، گروتپتر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶؛ ولتیل<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰). برای زورگویی بر دیگران، تفاوت‌های جنسیتی قابل توجهی وجود ندارد، پسران نیز به اندازه‌ی دختران مورد زورگویی واقع می‌شوند. زورگویی تنها در بین بچه‌هایی که زورگو هستند و یا مورد زورگویی واقع می‌شوند، اتفاق نمی‌افتد، بلکه پدیده‌ای گروهی است که سایر کودکان نیز در آن شرکت می‌کنند. تماشای آنها می‌تواند به فرد زورگو کمک کنند، یا سعی کنند به فرد قربانی کمک کنند، یا این که می‌تواند عقب نشینی کنند و خود را درگیر نکنند (اتلس<sup>۴</sup> و پپلر<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸).

یکی از روش‌های مورد توجه در کاهش زورگویی روش آموزش مهارت‌های زندگی است. از آموزش مهارت‌های زندگی، برای درمان مشکلات مختلف استفاده شده است. به علت تحولات عظیمی که در زندگی انسان معاصر به وقوع پیوسته است شمار زیادی از نوجوانان دچار مشکلات سازگاری اجتماعی، رفتاری و عاطفی هستند. بسیاری از مشکلات روانی-اجتماعی با ضعف در مهارت‌های زندگی و برقراری ارتباط اجتماعی ارتباط دارند (کیامقدم، ۱۳۷۸). مهارت‌های زندگی به مجموعه‌ای از توانایی‌های افراد گفته می‌شوند که زمینه سازگاری و رفتار مثبت و مفید آن‌ها را فراهم آورده و به فرد کمک می‌کند تا مسئولیت‌ها و نقش اجتماعی خود را بپذیرد و به شکل موثری عمل کند (خونی فر، ۱۳۸۵). یونیسف، مهارت‌های زندگی را به صورت یک رویکرد مبتنی بر تغییر رفتار یا شکل دهی رفتار که برقراری توازن میان سه حوزه دانش، نگرش و مهارت‌ها را مد نظر قرار می‌دهد تعریف می‌کند (فتحی و همکاران، ۱۳۸۶). مهارت‌های زندگی هم به صورت یک راهکار ارتقای سلامت روانی و هم به صورت ابزاری در پیشگیری از آسیب‌های روانی-اجتماعی

<sup>۱</sup> Crick

<sup>۲</sup> Grotmeter

<sup>۳</sup> Wolcott

<sup>۴</sup> Atlas

<sup>۵</sup> Pepler



نظیر اعتیاد، خشونت‌های خانگی و اجتماعی، آزار کودکان، خودکشی، ایدز و موارد مشابه قابل استفاده هستند. به طور کلی مهارت‌های زندگی ابزاری قوی در دست متولیان بهداشت روانی جامعه در جهت توانمندسازی افراد در ابعاد روانی-اجتماعی می‌باشند. (فاتحی و همکاران، ۱۳۸۵). هانتر و همکاران (۲۰۰۶) مهارت‌های زندگی را راه رسیدن به سبک زندگی جدیدی می‌دانند که با آموختن آن می‌توان زندگی موفق‌تری را تجربه کرد (نیک پرور فرد، ۱۳۸۴). از نظر سازمان بهداشت جهانی، آموزش مهارت‌های زندگی شامل ۱۰ مهارت اساسی برای زندگی کردن است. این مهارت‌ها عبارتند از مهارت خودآگاهی، همدلی، ارتباط موثر با دیگران، روابط میان فردی، تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، مهار هیجان‌ها و مقابله با فشار روانی. با توجه به این که آموزش تمام مهارت‌های ده گانه امری زمان‌بر و پرهزینه است که مانعی برای گسترش آن به شمار می‌آید هدف این مطالعه بررسی اثربخشی آموزش مهارت زندگی همدلی، ارتباط موثر با دیگران، ایجاد و حفظ روابط میان فردی، و مهارت مقابله با هیجان‌ها و فشار روانی بر کاهش رفتار زورگویی دانش‌آموزان پایه پنجم و ششم است. از این رو سوال اصلی مطالعه حاضر این است آیا آموزش پنج مهارت حل مسئله، توانایی ارتباط موثر، ایجاد و حفظ روابط میان فردی، همدلی کردن و مهارت مقابله با هیجان‌ها و فشار روانی قادر است به کاهش رفتار زورگویی دانش‌آموزان پایه پنجم و ششم ابتدایی کمک کند؟ از آنجا که برنامه‌ای موثر است که بتواند اثربخشی خود را در طی زمان به اثبات برساند لذا هدف دیگر پژوهش بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی حل مسئله، همدلی کردن، توانایی ارتباط موثر با دیگران، ایجاد و حفظ روابط میان فردی، و مهارت مقابله با هیجان‌ها و فشار روانی بر کاهش رفتار زورگویی دانش‌آموزان پایه پنجم و ششم در مرحله پیگیری است که این مقاله می‌کوشد این موضوع را دنبال کند.

### اهمیت و ضرورت پژوهش

از آنجا که زورگویی اثری منفی بر سلامت جسمانی و یا ذهنی دارد، مهم است که مراقبین سلامت کودک و معلمان فهم خوبی نسبت به رفتار زورگویانه داشته باشند و اقداماتی را برای جلوگیری و



یا توقف آن به کار گیرند. مداخله‌های ضد زورگویی از طریق اصول ارتقای سلامت در مدرسه صورت می‌گیرند. اجزای اصول درگیری سایر دانش‌آموزان، معلمان و والدین در تلاش برای مبارزه با زورگویی می‌باشند.

### اهداف پژوهش

۱) بررسی و مقایسه اثربخشی آموزش مبتنی بر مهارت‌های زندگی بر میزان رفتار زورگویی دانش‌آموزان پسر و دختر پایه پنجم و ششم ابتدایی شهر میناب در مرحله پس‌آزمون و پیگیری (۲) بررسی اثربخشی آموزش مبتنی بر مهارت‌های زندگی بر میزان رفتار زورگویی دانش‌آموزان پسر پایه پنجم و ششم ابتدایی شهر میناب در مرحله پس‌آزمون و پیگیری (۳) بررسی اثربخشی آموزش مبتنی بر مهارت‌های زندگی بر میزان رفتار زورگویی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم و ششم ابتدایی شهر میناب در مرحله پس‌آزمون و پیگیری.

### جامعه آماری

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر و دختر پایه پنجم و ششم ابتدایی شهر میناب در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ که رفتار زورگویی داشتند، بود.

### نمونه و روش نمونه‌گیری

پیش از اجرای پژوهش مجوز اجرای پرسشنامه‌ها از مسئولین امر اخذ شده و همچنین توضیحات لازمه توسط پژوهشگر به معلمان و دانش‌آموزان ارائه شد. به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای نخست از ۷۵ مدرسه آموزش و پرورش شهر میناب، چهار دبستان پسرانه و چهار دبستان دخترانه انتخاب و با اجرای روش جامعه‌سنجی و پرسشنامه روابط همگنان روی تمام دانش‌آموزان پایه‌های پنجم و ششم این هشت دبستان، از میان دانش‌آموزانی که بیشتر به عنوان زورگو انتخاب شده بودند و نمره بالاتری از پرسشنامه روابط همگنان گرفته بودند، ۴۰ دانش‌آموز پسر و ۴۰ دانش‌آموز دختر به تصادف انتخاب شدند. دانش‌آموزان پسر و دختر انتخاب شده به صورت



جداگانه در ۴ گروه ۲۰ نفره آزمایش و کنترل به صورت تصادفی جایگزین شدند. لازم به ذکر است دانش آموزان پسر و دختر انتخاب شده، دانش آموزانی بودند که از لحاظ بروز رفتار زورگویی مورد تأیید معلمان بودند و میزان بالایی از رفتار زورگویی را از خود نشان می دادند.

### پیشینه تحقیق

زورگویی در زبان تعاریف مختلفی دارد. به طور کلی زورگویی شامل اشکال فیزیکی، کلامی، و یا اعمال غیرمستقیم منفی و یا پرخاشگری می باشد (اراکي<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲؛ کروزی<sup>۲</sup> و اسیلوپیری<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲؛ الینوف<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۴؛ گرین<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳؛ اسمیت<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۳). علاوه بر آن از نظر صاحب نظران زورگویی اعمالی است که تکرار شوند، دائمی باشند، یکطرفه باشند، ایجاد اضطراب کنند، دارای نیت منفی باشند، و یا شامل عدم توازن قدرت باشند (اراکي، ۲۰۰۲؛ الینوف و همکاران، ۲۰۰۴؛ اسپلاگه و آسی دانو، ۲۰۰۱؛ گرین، ۲۰۰۳؛ کولوالسکی<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰؛ زاف<sup>۸</sup> و گراس<sup>۹</sup>، ۲۰۰۱). وینهولد<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۳) نیز زورگویی را چیزی که مکرراً انجام شود یا برای غلبه بر دیگری باشد تعریف می کند. اسمیت و همکاران (۲۰۰۳) یادآور شده است که زورگویی می تواند سوء استفاده اصولی از قدرت باشد. زورگویی شامل اعمال تکراری و دائمی است که به قصد ارباب یا مجروح کردن فردی که در موقعیت ضعیف تری قرار دارد می باشد. هازلر<sup>۱۱</sup> و همکاران (۱۹۹۲) گفته اند که زورگویی شکلی از خشونت است که در آن یک یا چند دانش آموز از نظر جسمی یا روانی

<sup>۱</sup> Araki

<sup>۲</sup> Crozier

<sup>۳</sup> Skliopidou

<sup>۴</sup> Elinoff

<sup>۵</sup> Greene

<sup>۶</sup> Smith

<sup>۷</sup> Kolwalski

<sup>۸</sup> Zapf

<sup>۹</sup> Cross

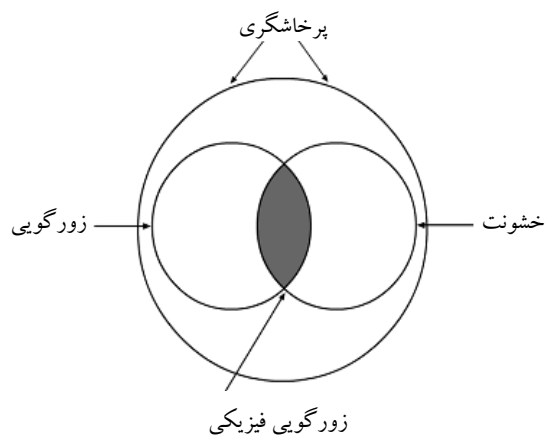
<sup>۱۰</sup> Weinhold

<sup>۱۱</sup> Hazler



فردی را در طول مدت زمانی، مورد سوء استفاده قرار می‌دهند. علاوه بر آن راندال<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) ذکر کرده است که زورگویی رفتار خشونت‌آمیزی است که برخاسته از نیت عمدی در ایجاد اضطراب فیزیکی یا جسمی در دیگران است.

زورگویی به عنوان نوعی از پرخاشگری؛ با وجود این واقعیت که اصطلاحات زورگویی و پرخاشگری اغلب به جای یکدیگر به کار می‌روند (پلیگرینی<sup>۲</sup> و لونگ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲؛ اسپاچر<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۲ و اسمیت و همکاران؛ ۱۹۹۹)، زورگویی یک نوع خاصی از پرخاشگری می‌باشد (ارپینس و هورن، ۲۰۰۶). در حقیقت، اولین جزء توصیفی تعریف زورگویی الویوس رفتار پرخاشگری عمدی است. آن چیزی که موجب سردرگمی این دو سازه شده است این است که ادبیات زورگویی برای تعیین تعاریف و توسعه زمینه نظری خود از ادبیات پرخاشگری کمک گرفته است (اسپلیج<sup>۵</sup> و سویرر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳). در حالی که بسیاری از پژوهشگران اصطلاحات پرخاشگری و زورگویی را اشتباه می‌گیرند، دیگر پژوهشگران با درجه‌ای از موفقیت، در پی روشن کردن روابط بین این دو هستند.



<sup>۱</sup> Randall  
<sup>۲</sup> Pellegrini  
<sup>۳</sup> Long  
<sup>۴</sup> Schafer  
<sup>۵</sup> Espelage  
<sup>۶</sup> Swearer



در مطالعه‌ای توسط پترسون (۱۹۷۴)، از آموزش والدین، برای والدین ۲۷ پسر پرخاشگر آمریکایی استفاده شد. پترسون، گزارش داد که آموزش رفتاری والدین، بطور متوسط، موجب ۶۰ درصد کاهش در رفتارهای انحرافی، در ۷۵ درصد از نمونه شد (مقایسه سطح پایه با پس از درمان). پترسون نشان داد در عین حال که آموزش رفتاری والدین برای اصلاح رفتار کودکان مؤثر است، اما همه خانواده‌ها بطور یکسانی از نتایج آن بهره‌مند نمی‌شوند (کلاتری و عابدی، ۱۳۷۶).

بلدري<sup>۱</sup> و فرینگتون<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) در پژوهشی به بررسی میزان شیوع زورگویی و قربانی و انواع و مکان زورگویی بر دانش‌آموزان مقطع راهنمایی شهر رم پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن است بیش از نیمی از دانش‌آموزان درسه ماه قبل مورد زورگویی واقع شده بودند و تقریباً نیمی زورگویی کرده بودند. یافته‌ها همچنین نشان داد دخترها بیشتر توسط پسرها مورد زورگویی قرار گرفته بودند اما هم پسرها هم دخترها، توسط پسرها مورد زورگویی واقع شده بودند. پسرها بیشتر از زورگویی مستقیم مانند تهدید و آسیب جسمانی استفاده می‌کنند؛ پسرها بیشتر در توالی زورگویی واقع می‌شوند. این مقاله می‌کوشد زورگویی را در بین دانش‌آموزان پایه پنجم و ششم دانش‌آموزان میناب بررسی کند.

### بحث اصلی و تحلیل

زورگویی می‌تواند زورگویی فیزیکی مستقیم (جسمانی)، زورگویی زبانی مستقیم (کلامی) و زورگویی غیر مستقیم (رابطه ای) باشد. سه نوع زورگویی داریم: جسمانی، کلامی و رابطه ای. هر یک از این‌ها به تنهایی می‌تواند ضربه مهلکی باشد، اما غالباً دست به دست هم، زمینه حمله قوی‌تری را فراهم می‌آورند. پسرها و دخترها به یک نسبت از زورگویی کلامی استفاده می‌کنند. پسرها بیشتر به استفاده از زورگویی جسمانی و دخترها بیشتر به استفاده از زورگویی رابطه‌ای تمایل نشان می‌دهند. این تفاوت بیشتر به نحوه‌ی جامعه‌پذیری پسران و دختران در فرهنگ ما باز می‌گردد تا به اندازه‌ی جنس یا قابلیت جسمانی افراد. پسرها تمایل دارند که در گروه‌های بزرگ و کمابیش

<sup>۱</sup>Baldry

<sup>۲</sup>Farrington





تعریف شده‌ای که به خاطر علایق مشترک گردهم آمده اند بازی کنند. خطوط سلسله مراتب قدرتی که وضع می‌کنند به وضوح ترسیم شده و قابل احترام از سوی اعضاست. در این سلسله مراتب، نوعی مانور دادن با دوز و کلک برای رسیدن به جایگاه برتر وجود دارد. قدرت و قابلیت جسمانی بر توانایی فکری ارجحیت دارد. بنابراین، می‌بینیم پسرها هم جنسان کوچک تر، ضعیف تر و اغلب باهوش تر را توی کمد، رختکن‌ها هل می‌دهند.

زورگویی جسمانی تنها مختص پسرها نیست. دخترهای بزرگ تر به پشت پا گرفتن، هل دادن و سیخونک زدن به دخترها و پسرهای کوچک تر معروفند. دخترها، در مقایسه با پسرها، بیشتر مایلند در حلقه‌های کوچک و صمیمی تری که حد و مرز آن کاملاً تعریف شده است، بازی کنند تا راحت تر بتوانند دختری را فقط با محروم کردن او از حلقه اجتماعی خود به لجن بکشند.

### زورگویی فیزیکی مستقیم (جسمانی)

زورگویی فیزیکی مستقیم ممکن است شامل هل دادن، لگد زدن، ضربه زدن یا گرفتن اشیای دیگران به زور باشد (کروزیر و اسکلیپرو، ۲۰۰۲؛ اسلیچ و سویرر، ۲۰۰۳؛ جونن<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۳؛ نانس<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۱). زورگویی جسمانی مشهورترین نوع زورگویی است، بنابراین شناسایی آن آسان تر است، اما کمتر از یک سوّم موارد گزارش شده توسط کودکان را شامل می‌شود از جمله این نوع زورگویی می‌توان به سیلی زدن، کتک زدن، فشردن گلو، سیخونک زدن، مشت زدن، لگد زدن، گاز گرفتن، نیشگون گرفتن، ناخن کشیدن، پیچاندن دست‌ها یا پاها تا وضعیت‌های دردناک، تف کردن، پاره کردن یا خراب کردن لباس‌ها و اموال کودک آزار دیده اشاره کرد. هر قدر فرد زورگو بزرگ تر و قوی تر باشد، این نوع حمله‌ها خطرناک تر می‌شوند.

کودکی که عموماً این نقش را بازی می‌کند، غالباً از هرچه زورگویی دیگر مسئله دار تر است و به احتمال بیشتری به سمت خلاف‌های کیفی و جدی تر کشیده می‌شود. (فرجی، ۱۳۹۲)

<sup>۱</sup>Juvonen

<sup>۲</sup>Nansel



### زورگویی زبانی مستقیم (کلامی)

زورگویی زبانی مستقیم شامل رفتاری مانند با اسم بد خواندن، تهدید و مسخره می‌باشد (کروزیرو و اسکلیپرو، ۲۰۰۲؛ اسیلیچ و سویبر، ۲۰۰۳؛ جوونن و همکاران، ۲۰۰۳؛ نانسِل و همکاران، ۲۰۰۱). این که در انگلیسی می‌گویند «شاید چوب و سنگ استخوانم را بشکنند، اما واژه‌ها هرگز آسیبی به من نمی‌زنند» دروغی بیش نیست. واژه‌ها ابزارهای قدرتمندی هستند که می‌توانند روح کودکی را که جانش به لبش رسیده، در هم بشکنند. آزار کلامی شایع‌ترین شکل زورگویی پسرها و دخترهاست و ۷۰ درصد از موارد زورگویی را تشکیل می‌دهد. انکار آزار کلامی آسان است و می‌توان آن را در حضور بزرگسالان و همسالان زمزمه کرد، به طوری که کسی متوجه آن نشود. می‌توان آن را با صدای بلند در زمین بازی فریاد زد و قاطی هیاهوی جمعیت گم کرد تا به گوش مدیر و ناظم نرسد، می‌توان آن را به عنوان گفتگوهای احمقانه بین همسالان نادیده گرفت. بچه‌های کوچک تری که هنوز حس قوی «من» در آن‌ها تکامل پیدا نکرده است، نسبت به زورگویی کلامی آسیب پذیرترند، هر چند حمله‌های مکرر آزار کلامی می‌تواند تقریباً هر کودکی را بدون توجه به سن و سال از پا در آورد.

اگر با زورگویی کلامی برخورد نشود یا مورد بی‌اعتنایی قرار بگیرد، کم‌کم عادی می‌شود و انسانیت را از فرد هدف می‌گیرد. همین که کودک انسانیت زُدایی شد، حمله به او بدون برانگیختن دلسوزی اطرافیان آسان تر خواهد بود. وقتی کودکی مدام به مضحکه دست این و آن تبدیل شد، غالباً از فعالیت‌های جمعی طرد می‌شود و در بازی‌ها آخرین کسی است که انتخاب می‌شود و اولین کسی است که کنار گذاشته می‌شود. آخر چه کسی می‌خواهد یک بازنده یارش باشد؟

زورگویی کلامی به اشکال مختلفی از جمله فحش، متلک پرانی، تحقیر، عیب‌جویی افراطی، افترا و بدگویی، تهمت‌های نژاد پرستانه، اظهارات حاکی از پیشنهادهای جنسی و بدرفتاری جنسی نمود پیدا می‌کند. به علاوه ممکن است موارد زیر را دربر گیرد: اخاذی کردن پول ناهار یا خرید چیزی، تماس‌های تلفنی آزارنده، نامه‌های الکترونیکی دلهره آور، یادداشت‌های بی‌امضای تهدید آمیز، تهمت‌های ناروا، شایعه‌های کاذب و مغرضانه و غیبت کردن. (فرجی، ۱۳۹۲)



در میان این سه نوع زورگویی، ارتکاب به زورگویی کلامی از همه آسان تر و غالباً مدخلی برای دو نوع دیگر است. به علاوه، نخستین گام به سمت پرخاشگری و حشیاانه واهانت بار به شمار می‌رود.

### زورگویی غیر مستقیم (رابطه‌ای)

زورگویی غیر مستقیم معمولاً به عنوان زورگویی روان شناختی تعبیر می‌شود (استانلی<sup>۱</sup> و آرورا<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸). اشکال زورگویی غیر مستقیم شامل توهین، پخش شایعه، طرد دیگران از لحاظ اجتماعی و تسلط طلبی روابط دوستانه می‌باشد (کروزیر و اسکلیپرو، ۲۰۰۳؛ اسپلیج و سویرر، ۲۰۰۳؛ جفری<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۱؛ جونن و همکاران؛ نانس و همکاران، ۲۰۰۱؛ الویوس، ۱۹۹۶).

زورگویی رابطه‌های مشکل‌ترین نوع زورگویی از لحاظ شناسایی و ردیابی بیرونی است و عبارت است از تحقیر کردن نظام مند حسّ مئیت کودک آزار دیده از طریق بی‌اعتنایی کردن، منزوی کردن، محروم کردن یا طرد کردن اوست. طرد کردن که عملی حذف‌کننده و در پیوند با شایعات، اقدامی اجرایی است، ابزار قدرتمندی برای زورگویی به شمار می‌رود. زورگویی رابطه‌های در هر دو حالت از نظرها پوشیده و پنهان می‌ماند و شناسایی و ردیابی آن دشوار است. کودکی که درباره اش بدگویی می‌شود، شاید حتی روحش از شایعات خبر نداشته باشد، اما از اثرات آن رنج خواهد برد. زورگویی رابطه‌های برای بیزار کردن، پس زدن، دست زدن به سینه یک همسال، یا بر هم زدن عمدی دوستی به کار می‌رود. این نوع زورگویی با ژست‌های نامحسوسی از قبیل نگاه‌های خیره و تهاجمی، چشم‌غره رفتن، آه تأسف کشیدن، اخم کردن، پوزخند زدن، و زبان بدنی خصمانه همراه است.

### میزان شیوع زورگویی

زورگوها ممکن است که تمایلی به اعتراف کردن به رفتارهای خشن خود نداشته باشند. قربانیان ممکن است خجالت زده باشند و یا آن قدر ترسیده باشند که نتوانند تجربیات شخصی خود را

<sup>۱</sup> Stanley

<sup>۲</sup> Arora

<sup>۳</sup> Jeffrey



گزارش کنند و همسالان و معلم‌ها ممکن است از اعمال زورگوها اطلاعی نداشته باشند. دلیل دومی که دسترسی به اطلاعات را دشوار می‌سازد، این است که زورگویی را می‌توان به چندین طریق تعریف کرد یا اینکه می‌توان آن را بدون تعریف رها کرد. دلیل سوم این است که دوره‌ی زمانی که در آن قربانی مورد زورگویی قرار می‌گیرد در طی مطالعات مختلف متفاوت است. شیوع زورگویی ممکن است به یک دوره‌ی خاص زمانی اشاره داشته باشد، ماه گذشته، ترم گذشته یا حتی سال گذشته. به طور مشابه، سوالات نظر سنجی در رابطه با شیوع زورگویی ممکن است در دو بخش بله و خیر تقسیم شود و یا اینکه در مقیاس لیکرت باشد. پاسخ‌ها ممکن است بر اساس تخمین‌هایی از یک مورد مشخص یا چندین مورد باشد. علاوه بر این طبقه بندی زورگویی، قربانی و زورگو - قربانی از یک بررسی تا بررسی بعدی بسیار متفاوت است (استلبرگ<sup>۱</sup> و الویوس، ۲۰۰۳). بنابراین، تخمین شیوع دقیق زورگویی دشوار است.

در نمونه‌ای از ۱۵۶۸۶ دانش آموز در ایالات متحده آمریکا در کلاس‌های پنجم تا دهم، ۹٪ دانش آموزان گزارش کردند که دیگران را هر هفته مورد زورگویی قرار می‌دهند، ۱۱٪ گزارش کردند که گاهی زورگو هستند و ۲۴٪ گزارش کردند که دیگران را حداقل یک بار در طی یکسال گذشته مورد زورگویی قرار دادند (نانسل، ۲۰۰۱). در سایر مطالعات کودکان آمریکایی سطوح بالاتری از زورگویی را نشان دادند. تخمین شیوع کنونی زورگویی، بر وسعت موضوع تاکید می‌کند. مشخص کردن انواع قابل تشخیص زورگویی نیز به فهم ما در مورد این پدیده کمک می‌کند.

### عوامل خطر در رابطه با زورگویی

زورگوها بیشتر از غیر زورگوها احتمال نشانه‌های افسردگی، اقدامات خودکشی، مشکلات روانی، موفقیت‌های تحصیلی کمتر، علاقه کمتر به مدرسه، سابقه سوء استفاده از دوستان زورگو را دارند (دک<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۲؛ اسپلیج و هلت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱؛ اسپلیج و سویرر، ۲۰۰۳). عوامل ریسک مربوط به محیط

<sup>۱</sup> Stolberg

<sup>۲</sup> Dake

<sup>۳</sup> Holt



خانواده شامل فقدان یا ضعف روابط فرزند-والدین، نبود الگوهای مناسب در میان بزرگسالان، محیط خانوادگی خشن، روش تربیت مستبدانه، تربیت تنبیهی، نبود حمایت والدین از کودک (دک و دیگران، ۲۰۰۲؛ اسپیلیج و هلت، ۲۰۰۱) و نبود علاقه بین کودک و والدین می‌باشد. زورگوها نسبت به همسالان رفتار تهاجمی دارند. آن‌ها همچنین بیشتر مواقع نسبت به والدین برادر و خواهر و معلمان نیز رفتاری تهاجمی و پرخاشگرانه دارند (الویوس، ۱۹۹۳، ۱۹۹۶).

مخصوصاً در رابطه با زورگویی، بحث بر این است که آیا مشکلات روانی منجر به قربانی شدن در زورگویی می‌شود یا اینکه قربانی شدن در زورگویی باعث شروع این مشکلات می‌شود. استرس زورگویی ممکن است منجر به شمار بیشتری از مشکلات روانی شود (بوین<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۵). ولی کودکانی که مشکلات روانی دارند، مثل افسردگی یا اضطراب، ممکن است نسبت به سایر کودکان در مواجهه با زورگویی آسیب‌پذیرتر باشند (اسچاورتز و همکاران، ۱۹۹۳؛ هدگز<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۹۷). مطالعات کمی بر روی این ارتباط بحث کرده‌اند ولی برای هر دو فرضیه، تاییداتی وجود دارد. در یک بررسی طولی، باند<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۱) گزارش کردند که زورگویی مخصوصاً برای دختران نوجوان، منجر به شکایت‌های روانی مثل افسردگی و اضطراب می‌شود. به این معنی که استرس ناشی از زورگویی، اثری منفی بر سلامت کودکان می‌گذارد. مطالعات دیگر تاییداتی را برای ارتباط عکس یافته‌اند که به موجب آن مشکلات رفتاری درونی منجر به قربانی شدن در طی زمان می‌شود (هدگز و همکاران، ۱۹۹۹؛ اسچاورتز و همکاران، ۱۹۹۹). نتایج تحقیق دیگری مبنی بر این امر است که دانش‌آموزان زورگو و دانش‌آموزان غیر زورگو مرتبه اجتماعی مشابهی در مدارس راهنمایی دارند (اسپیلیج و هلت، ۲۰۰۱). کودکانی که هم زورگو و هم قربانی هستند، دارای رفتاری بسیار واکنشی، ناراحت‌کننده و آنی می‌باشند (اسچاورتز و همکاران، ۲۰۰۱). ترکیبی از واکنش اضطرابی و پرخاشگری مشخصه نوعی زورگو-قربانی می‌باشد (الویوس، ۱۹۹۶).

<sup>۱</sup> Boivin

<sup>۲</sup> Hodges

<sup>۳</sup> Bond



### زورگویی و جنسیت

تفاوت‌های جنسیتی در بیشتر انواع زورگویی‌ها شناسایی نشده است (دی وو و کافنبرگر، ۲۰۰۵). در کل، مردان بیشتر از زنان درگیر زورگویی می‌شوند (بران وایت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴؛ چارچ<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۹۵). مردان، هم مردان و هم زنان را مورد زورگویی قرار می‌دهند. اما زنان تنها جنس خودشان را مورد زورگویی قرار می‌دهند (کلارک<sup>۳</sup> و کیسلیا<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷).

کریک و گرات پیتر (۱۹۹۵) بین رفتارهای خشونت‌آمیز علنی و ارتباطی (رابطه‌ای) تمایز قایل شدند و یافتند که دختران بیشتر از پسران به رفتارهای خشونت‌آمیز رابطه‌ای دست می‌زنند. آن‌ها دریافتند که این تفاوت جنسی (رفتار علنی / رابطه‌ای) از اوایل مدرسه آغاز می‌شود. به علاوه، آن‌ها گزارش کردند که هم دختران و هم پسران از لحاظ رابطه‌ای خشن مشکلات مشترکی در سازگاری اجتماعی - روان شناختی مثل تنها ماندن، افسردگی، انزوا و عدم پذیرش از سوی همسالان دارند. مشخص شد که روابط بین دختران قوی‌تر و عمیق‌تر از پسران می‌باشد. برخی محققان ادعا کرده‌اند که جنسیت در مورد پذیرش اجتماعی زورگویی نقشی معین دارد. ارون و هیوزمان<sup>۵</sup> (۱۹۸۴) معتقدند که والدین می‌خواهند پسران بیشتر از دختران خشن و تهاجمی باشند. ذهنیت «بگذار پسر باشند». در کل جامعه زورگویی پسران را به دلیل رویکردهای عمومی قدرت و مرد بودن می‌پذیرد. بیشتر فرهنگ‌ها خشونت بدنی را به عنوان خصیصه‌ی مردان می‌پذیرند. بر اساس انتظارات، اغلب بزرگسالان، رفتارهای خشونت‌آمیز پسران را نرمال و رفتارهای خشونت‌آمیز دختران را غیر نرمال تلقی می‌کنند.

<sup>۱</sup> Branwhite

<sup>۲</sup> Charach

<sup>۳</sup> Clarke

<sup>۴</sup> Kiselia

<sup>۵</sup> Huesmann



## زورگویی و سلامت روانی

مطالعات نشان می‌دهند که قربانی شدن به طور حائز اهمیت با درونی کردن مسائل سلامت و اختلالات مثل اضطراب و افسردگی مرتبط است (بروکنبرو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۲؛ کالتیالا-هینو<sup>۲</sup>، ریمپلا و ریمپلا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰). این ارتباط بین قربانی شدن و درونی کردن اختلالات در دختران بزرگسال مخصوصاً شدید می‌باشد و ممکن است به اختلالات تغذیه‌ای منجر شود (باندا و همکاران، ۲۰۰۱). کودکان قربانی زورگویی نوعاً از فشارهای روان شناختی و فیزیکی رنج می‌برند (بساگ، ۱۹۸۹؛ الویوس، ۱۹۹۳) آن‌ها اغلب بیشتر از بچه‌هایی که قربانی زورگویی نشده‌اند، میزان بالایی از ترس، اضطراب، احساس گناه، شرم، بی‌یاوری و افسردگی را تجربه می‌کنند (بولتون و آندروود، ۱۹۹۲؛ راندال، ۱۹۹۷؛ اسلی<sup>۴</sup>، ۱۹۹۴؛ ویتنی و اسمیت، ۱۹۹۳).

اگر زورگویی متوقف نشود در عملکرد مدرسه و رابطه با دوستان اختلال ایجاد می‌کند، کودکان جهت مشکلات روانی باید مورد ارزیابی ممکن قرار گیرند. اگر بیمار قربانی زورگویی باشد، پزشکان می‌توانند تفکیکی و اختلال اضطراب کلی، حواسپرتی، افسردگی و اختلال وحشت را مورد بررسی قرار دهند. بیماران زورگو را می‌توان از جهت اختلال رفتاری و یا دیگر اختلالات روان شناختی مورد معاینه قرار داد (گلو<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۰).

## برنامه پیشگیری از زورگویی

معالجات درمانی از مداخلات دیگر هستند. این معالجات بر مدیریت خشم، ایجاد مهارت، همدردی یا تقویت عزت نفس زورگویان تمرکز و توجه دارند. شواهد بیانگر این است که کودکانی که زورگویی می‌کنند، به طور خاص فاقد عزت نفس نیستند و این مداخلات ممکن است کمک نماید تا اعتماد به نفس بیشتری در زورگوها ایجاد نماید. اما هیچ تاثیری بر زورگویی

<sup>۱</sup> Brockenbrough

<sup>۲</sup> Kaltiala-Heino

<sup>۳</sup> Rimpela & Rimpela

<sup>۴</sup> Slee

<sup>۵</sup> Glew



مختصر ندارد (الویوس، ۱۹۹۳). اگر چه مداخله همسالان ممکن است در موارد تناقض و تضاد بین دانش آموزان با قدرت برابر مناسب باشد، اما طبق تعریف توازن قدرت در موارد زورگویی برابر نیست زورگویی یک تضاد نیست، آن سوء استفاده است (کوهن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). همان طور که باب چیس<sup>۲</sup> (۲۰۰۱)، نماینده انجمن تحصیلات ملی آمریکا بیان کرد، «یک انجمن مدرسه به تنهایی مشکل را حل نخواهد کرد.» آن چه مورد نیاز است، یک تغییر در جو مدرسه و هنجارهای رفتاری می باشد (مالوی و کافمن، ۲۰۰۱). بر طبق کمیسیون پیشگیری از خشونت جوانان<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) یک برنامه ایده آل موثر در پیشگیری از خشونت باید:

- با استفاده از یک طرح آزمایشی یا شبه آزمایشی به صورت گمارش تصادفی یا یک گروه همتای کنترل شده مورد ارزیابی قرار گیرد. - بر اساس برآورد اطلاعات واقعی و مختص جامعه باشد. - بر اساس شواهد باشد. - در طول زمان به طور مداوم مورد استفاده قرار گیرد. - موضوعات و اهداف قابل اندازه گیری داشته باشد. - در فواصل معین و به صورت دوره ای مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد. - حداقل در یک محل دیگر با ارزیابی نتایج تکرار شود. - از یک مدل همکاری- مشارکتی استفاده کند. - از اصول و متدلوژی هایی استفاده کند که از لحاظ فرهنگی مهم و حساس و از لحاظ رشدی مناسبند. - جو مثبت که زورگویی را تحمل نمی کند. - تبعیت از استانداردهای بالای رفتاری- یکپارچگی خدمات در طول یک پیوستار- فرصت هایی برای تمرین مهارت های اجتماعی و شناختی- در دسترس بودن منابع کافی و ثابت برای اجرا. چند برنامه پیشگیری از زورگویی مدرسه محور وجود دارند. اگر چه از لحاظ اندازه و حیطه متفاوت می باشند، کمیسیون گزارش داد که نوید بخش ترین برنامه ها خصوصیات زیر را دارند: - تمرکز بر ایجاد یک محیط با گستره مدرسه محور که زورگویی را تقبیح و رد می کند.

<sup>۱</sup> Cohen

<sup>۲</sup> Bob Chase

<sup>۳</sup> Commission for the Prevention of Youth Violence





### مدل و طرح تحقیق

این نوع تحقیق از نوع تحقیقات شبه آزمایشی است که از نوع گروه آزمایش و گروه کنترل همراه با پیش آزمون و پس آزمون و آزمون پیگیری بوده است. سیمای کلی پژوهش در جدول ۱-۳ ارائه شده است.

جدول ۱-۳ سیمای کلی پژوهش

گروه‌ها	انتخاب	جنس	پیش آزمون	مداخله آموزشی	پس آزمون	آزمون پیگیری
آزمایشی (۱)	R	پسر	T <sub>۱</sub>	X	T <sub>۲</sub>	T <sub>۳</sub>
آزمایشی (۲)	R	دختر	T <sub>۱</sub>	X	T <sub>۲</sub>	T <sub>۳</sub>
کنترل (۱)	R	پسر	T <sub>۱</sub>	-	T <sub>۲</sub>	T <sub>۳</sub>
کنترل (۲)	R	دختر	T <sub>۱</sub>	-	T <sub>۲</sub>	T <sub>۳</sub>

در این طرح R بیانگر جایگزینی تصادفی شرکت کنندگان در دو گروه آزمایش و دو گروه کنترل است. افراد شرکت کننده در این پژوهش دانش‌آموزان پسر و دختر بوده‌اند. از هر چهار گروه در مرحله اول پیش آزمون به عمل آمد و پس از اجرای آموزش مبتنی بر مهارت‌های زندگی، از هر چهار گروه پس آزمون به عمل آمد و نهایتاً دو ماه بعد از اجرای آخرین جلسه آموزشی به گروه‌های آزمایش، آزمون پیگیری برای چهار گروه اجرا شد. میانگین سنی و حجم گروه‌های آزمایشی و کنترل در جدول ۲-۳ نشان داده شده است.

جدول ۲-۳ حجم و میانگین سنی گروه‌ها

گروه‌ها	حجم گروه (تعداد افراد)	میانگین سنی
آزمایشی (۱)	۲۰	۱۲/۷
آزمایشی (۲)	۲۰	۱۲/۶



۱۲/۸	۲۰	کنترل (۱)
۱۲/۷	۲۰	کنترل (۲)

### روش جامعه‌سنجی

در بررسی جامعه‌سنجی از کودکان خواسته می‌شود همسالان خود را بر پایه درکی که از آنها دارند، ارزیابی نمایند. جامعه‌سنجی به طور معمول روی کودکان حاضر در یک کلاس انجام می‌شود. پژوهشگران به طور معمول از کودکان می‌خواهند منزلت اجتماعی همسالان خود را گزارش دهند (امیری، ۱۳۸۴). در بررسی جامعه‌سنجی از کودکان یک کلاس می‌خواهند از میان همکلاسی‌های خود چند نفر را که دوست دارند و نیز چند نفر را که دوست ندارند، معرفی کنند؛ یا این که همسالان خود را بر حسب میزان همکاری درجه بندی نمایند (تری و کری، ۱۹۹۱ به نقل از امیری، ۱۳۸۴).

### پرسشنامه روابط همگنان

این مقیاس خود گزارشی است که به منظور بررسی روابط همگنان کودکان مقطع ابتدایی تهیه و توسط کودک تکمیل می‌گردد. این پرسشنامه شامل ۲۰ سوال است و در یک مقیاس لیکرتی ۱ تا ۵ نمره گذاری می‌گردد. و شامل ۳ زیر مقیاس زور گویی، قربانی و رفتار مطلوب اجتماعی است. پایایی این پرسشنامه برای بخش زور گویی ۰/۷. گزارش شده است (طباطبائی و همکاران، ۱۳۹۰).

### خلاصه جلسات آموزش

توضیح مختصری از جلسات آموزش مبتنی بر مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان پایه پنجم و ششم ابتدایی در جدول ۳-۳ ارائه می‌شود. برنامه آموزش مبتنی بر مهارت‌های زندگی شامل ۷ بخش و ۹ جلسه بود که عبارتند از:

ساختار جلسات آموزش مبتنی بر مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان پایه پنجم و ششم ابتدایی



رئوس مطالب جلسات آموزش مبتنی بر مهارت‌های زندگی و زمان اجرای آن‌ها		
زمان جلسات آموزشی	رئوس مطالب	
هفته اول	(۱) آشنایی با یکدیگر و اهداف برنامه و یادگیری درباره زورگویی	بخش اول: یادگیری درباره زورگویی
هفته دوم	(۱) آگاهی از توانایی‌ها و ویژگی‌ها	بخش دوم: مهارت خودآگاهی
هفته سوم	(۲) ارزیابی صحیح از خود	
هفته سوم	(۱) آموزش مراقبت از خود و دیگران	بخش سوم: مهارت همدلی
هفته چهارم	(۱) آموزش مهارت‌های ارتباطی برای رسیدن به موفقیت	بخش چهارم: مهارت برقراری ارتباط بین فردی
هفته پنجم	(۱) آشنایی با هیجانات مختلف (به ویژه خشم)	بخش پنجم: مهارت مقابله با هیجانات منفی
هفته ششم	(۲) آشنایی با راه‌های مقابله با خشم و بیان آن به صورت سازنده	
هفته هفتم	(۳) آشنایی با تکنیک‌های موثر آرامش در مقابله با فشار روانی	
هفته هشتم	(۱) آشنایی با مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری‌های سخت	بخش ششم: مهارت حل مسئله
هفته نهم	(۱) مرور بر جلسات قبلی و اختتامیه	بخش هفتم: شروع جدید و گفتن خداحافظی



## روش تجزیه و تحلیل آماری

داده‌های مطالعه در نرم افزار SPSS ۲۰ و با استفاده از تحلیل کواریانس مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. نمرات پیش آزمون به عنوان متغیرهای همگام شناخته شد و تأثیر آن بر روی نمرات پس آزمون و پیگیری با استفاده از تحلیل کواریانس بررسی گردید. در این قسمت یافته‌های توصیفی پژوهش ارائه می‌شود که شامل دو قسمت: (۱) توزیع فراوانی ویژگی‌های جمعیت شناختی گروه‌های نمونه و (۲) آمار توصیفی متغیرهای وابسته می‌باشد. همان‌طور که در جدول (۱-۴) مشاهده می‌شود تحصیلات پدر شرکت کنندگان در دو گروه آزمایش و دو گروه کنترل از حداقل ابتدایی تا حداکثر لیسانس می‌باشد. بیشترین فراوانی متعلق به گروه ابتدایی و لیسانس هر کدام ( $n=24$ ) و کمترین فراوانی متعلق به گروه فوق دیپلم بود ( $n=6$ ). نتایج کراسکال-والیس نشان داد بین چهار گروه از لحاظ رتبه‌های تحصیلات پدر، تفاوت معنادار وجود ندارد ( $P > /0.05$ ).

جدول فراوانی متغیر تحصیلات پدر به تفکیک گروه‌ها

گروه‌ها	تحصیلات پدر	تعداد	درصد
آزمایشی (۱)	ابتدایی	۶	۳۰
	سیکل	۲	۱۰
	دیپلم	۴	۲۰
	فوق دیپلم	-	-
	لیسانس	۸	۴۰
	کل	۲۰	۱۰۰
آزمایشی (۲)	ابتدایی	۴	۲۰
	سیکل	۴	۲۰



۲۰	۴	دیپلم	
۱۰	۲	فوق دیپلم	
۳۰	۶	لیسانس	
۱۰۰	۲۰	کل	
۴۰	۸	ابتدایی	کنترل (۱)
۱۰	۲	سیکل	
۲۰	۴	دیپلم	
۱۰	۲	فوق دیپلم	
۲۰	۴	لیسانس	
۱۰۰	۲۰	کل	
۳۰	۶	ابتدایی	کنترل (۲)
۱۰	۲	سیکل	
۲۰	۴	دیپلم	
۱۰	۲	فوق دیپلم	
۳۰	۶	لیسانس	
۱۰۰	۲۰	کل	



جدول فراوانی متغیر شغل پدر به تفکیک گروه‌ها

گروه‌ها	شغل پدر	تعداد	درصد
آزمایشی (۱)	آزاد	۱۲	۶۰
	کارمند	۸	۴۰
	کل	۲۰	۱۰۰
آزمایشی (۲)	آزاد	۱۲	۶۰
	کارمند	۸	۴۰
	کل	۲۰	۱۰۰
کنترل (۱)	آزاد	۱۰	۵۰
	کارمند	۱۰	۵۰
	کل	۲۰	۱۰۰
کنترل (۲)	آزاد	۱۲	۶۰
	کارمند	۸	۴۰
	کل	۲۰	۱۰۰

فراوانی متغیر تحصیلات مادر دو گروه کنترل و دو گروه آزمایشی در جدول (۳-۴) ارائه شده است.

همان طور که در جدول (۳-۴) مشاهده می‌شود تحصیلات مادر شرکت کنندگان در دو گروه آزمایشی و دو گروه کنترل از حداقل بی سواد تا حداکثر لیسانس می‌باشد. بیشترین فراوانی متعلق به گروه دیپلم ( $n=26$ ) و کمترین فراوانی متعلق به گروه بیسواد و فوق دیپلم هر کدام ( $n=2$ ) بود. نتایج کراسکال-والیس نشان داد بین چهار گروه از لحاظ رتبه‌های تحصیلات مادر، تفاوت معنادار وجود دارد ( $P < /0.05$ ).



جدول فراوانی متغیر تحصیلات مادر به تفکیک گروه‌ها

گروه‌ها	تحصیلات مادر	تعداد	درصد
آزمایشی (۱)	بیسواد	۲	۱۰
	ابتدایی	۱۰	۵۰
	سیکل	۴	۲۰
	دیپلم	۴	۲۰
	فوق دیپلم	-	-
	لیسانس	-	-
	کل	۲۰	۱۰۰
آزمایشی (۲)	بیسواد	-	-
	ابتدایی	۶	۳۰
	سیکل	۲	۱۰
	دیپلم	۶	۳۰
	فوق دیپلم	-	-
	لیسانس	۶	۳۰
	کل	۲۰	۱۰۰
کنترل (۱)	بیسواد	-	-
	ابتدایی	۲	۱۰
	سیکل	۱۰	۵۰



۳۰	۶	دیپلم	
۱۰	۲	فوق دیپلم	
-	-	لیسانس	
۱۰۰	۲۰	کل	
-	-	بیسواد	کنترل (۲)
۱۰	۲	ابتدایی	
۳۰	۶	سیکل	
۵۰	۱۰	دیپلم	
-	-	فوق دیپلم	
۱۰	۲	لیسانس	
۱۰۰	۲۰	کل	

فراوانی متغیر شغل مادردو گروه کنترل و دو گروه آزمایشی در جدول (۴-۴) ارائه شده است. همان طور که در جدول (۴-۴) مشاهده می شود شغل مادر شرکت کنندگان در گروه های آزمایش و کنترل، خانه دار و کارمند می باشد. بیشترین فراوانی متعلق به گروه خانه دار ( $n=70$ ) و کمترین فراوانی متعلق به گروه کارمند بود ( $n=10$ ). نتایج ( $\chi^2$ ) نشان داد بین چهار گروه از لحاظ تعداد شغل مادر، تفاوت معنادار وجود ندارد ( $P > /0.05$ ).

جدول فراوانی متغیر شغل مادر به تفکیک گروه ها

گروه ها	شغل مادر	تعداد	درصد
آزمایشی (۱)	خانه دار	۲۰	۱۰۰
	کارمند	-	-
	کل	۲۰	۱۰۰





۸۰	۱۶	خانه دار	آزمایشی (۲)
۲۰	۴	کارمند	
۱۰۰	۲۰	کل	
۸۰	۱۶	خانه دار	کنترل (۱)
۲۰	۴	کارمند	
۱۰۰	۲۰	کل	
۹۰	۱۸	خانه دار	کنترل (۲)
۱۰	۲	کارمند	
۱۰۰	۲۰	کل	

کمینه و بیشینه نمرات توزیع تعداد خواهر و برادر در جدول (۴-۵) ارائه شده است.

جدول کمینه و بیشینه متغیر توزیع تعداد خواهر و برادر به تفکیک گروه‌ها

گروه‌ها	تعداد	کمینه	بیشینه
آزمایشی (۱)	۲۰	۰	۸
آزمایشی (۲)	۲۰	۱	۵
کنترل (۱)	۲۰	۰	۳
کنترل (۲)	۲۰	۱	۶

چنانچه در جدول (۴-۵) ملاحظه می‌شود تعداد خواهر و برادر شرکت‌کنندگان پژوهش در دامنه ۰ تا ۸ نفر قرار داشتند. نتایج تحلیل واریانس، نشان داد بین چهار گروه از لحاظ تعداد خواهر و برادر تفاوت معنادار وجود دارد ( $P < /0.05$ ).



میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه نمرات توزیع متغیر معدل سال جاری در جدول (۴-۶) ارائه شده است.

جدول میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه نمرات متغیر توزیع معدل سال جاری به تفکیک گروه‌ها

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
آزمایشی (۱)	۲۰	۱۹/۵۳	۰/۵۹	۱۸/۴۵	۲۰
آزمایشی (۲)	۲۰	۱۹/۴۶	۰/۸۶	۱۷/۹۰	۲۰
کنترل (۱)	۲۰	۱۷/۵۸	۳/۳۳	۱۲/۵۰	۲۰
کنترل (۲)	۲۰	۱۹/۲۰	۱/۰۱	۱۷/۹۹	۲۰

چنان چه در جدول (۴-۶) ملاحظه می‌شود معدل سال جاری شرکت کنندگان پژوهش در دامنه ۱۲/۵۰ تا ۲۰ قرار داشت. میانگین معدل سال جاری گروه آزمایشی (۱)، (۱۹/۵۳)؛ گروه آزمایشی (۲)، (۱۹/۴۶)؛ گروه کنترل (۱)، (۱۷/۵۸) و گروه کنترل (۲)، (۱۹/۲۰) می‌باشد. نتایج تحلیل واریانس، نشان داد بین چهار گروه از لحاظ میانگین معدل سال جاری، تفاوت معنادار وجود دارد ( $P < /0.05$ ).

شاخص‌های توصیفی متغیرهای وابسته؛ میانگین، انحراف معیار، نمرات متغیر زورگویی کودکان (جامعه سنجی) در جدول (۴-۷) ارائه شده است.

جدول میانگین، انحراف معیار، نمرات متغیر زورگویی کودکان (جامعه سنجی)

به تفکیک مراحل و گروه‌ها

گروه‌ها	مراحل	میانگین	انحراف معیار
آزمایشی (۱)	پیش آزمون	۲۳/۵۰	۱۰/۳۸
	پس آزمون	۱۳/۷۰	۴/۸۸



۵/۹۱	۱۵/۳۰	پیگیری	
۱۰/۵۶	۲۲/۹۰	پیش آزمون	آزمایشی (۲)
۶/۷۸	۱۱/۱۰	پس آزمون	
۷/۵۱	۱۲/۵۰	پیگیری	
۱۰/۳۴	۲۴/۸۷	پیش آزمون	کنترل (۱)
۱۱/۳۲	۲۳/۶۰	پس آزمون	
۱۱/۱۲	۲۴/۱۱	پیگیری	
۱۱/۵۴	۲۳/۲۰	پیش آزمون	کنترل (۲)
۱۲/۸۵	۲۳/۶۰	پس آزمون	
۱۰/۲۱	۲۳/۵۰	پیگیری	

در جدول (۴-۷) شاخص‌های توصیفی گرایش مرکزی متغیر وابسته زورگویی کودکان (جامعه سنجی) به تفکیک گروه‌ها و مراحل نمایان است. از آن جا که کسب نمره کمتر در این متغیر نشان از اثربخشی مداخله درمانی دارد، ملاحظه می‌گردد میانگین گروه‌های آزمایشی در پس آزمون نسبت به گروه‌های کنترل کاهش معناداری داشته است (۱۳/۷۰ و ۱۱/۱۰). این کاهش به صورت معناداری در مرحله پیگیری گروه‌های آزمایشی نیز دیده می‌شود (۱۵/۳۰ و ۱۲/۵۰). میانگین، انحراف معیار، نمرات متغیر زورگویی کودکان (پرسشنامه روابط همگنان) در جدول (۴-۸) ارائه شده است.

جدول میانگین، انحراف معیار، نمرات متغیر زورگویی کودکان

(پرسشنامه روابط همگنان) به تفکیک مراحل و گروه‌ها

گروه‌ها	مراحل	میانگین	انحراف معیار
آزمایشی (۱)	پیش آزمون	۱۹/۸۰	۲/۵۱



۱/۰۵	۱۲/۴۰	پس آزمون	
۱/۱۹	۱۴/۴۰	پیگیری	
۴/۹۶	۱۷/۹۰	پیش آزمون	آزمایشی (۲)
۱/۶۴	۹/۷۰	پس آزمون	
۲/۰۱	۱۰/۹۰	پیگیری	
۶/۹۸	۱۴/۹۰	پیش آزمون	کنترل (۱)
۶/۲۱	۱۷/۵۰	پس آزمون	
۶/۱۹	۱۸	پیگیری	
۶/۴۱	۱۳/۸۷	پیش آزمون	کنترل (۲)
۵/۲۵	۱۶/۸۷	پس آزمون	
۵/۲۹	۱۶/۱۴	پیگیری	

شاخص‌های توصیفی گرایش مرکزی متغیر وابسته زورگویی کودکان (پرسشنامه روابط همگنان) به تفکیک گروه‌ها و مراحل نمایان است. از آن جا که کسب نمره کمتر در این متغیر نشان از اثربخشی مداخله درمانی دارد، ملاحظه می‌گردد میانگین گروه‌های آزمایشی در پس آزمون نسبت به گروه‌های کنترل کاهش معناداری داشته است (۱۲/۴۰ و ۹/۷۰). این کاهش به صورت معناداری در مرحله پیگیری گروه‌های آزمایشی نیز دیده می‌شود (۱۴/۴۰ و ۱۰/۹۰).

#### آمار استنباطی و بررسی فرضیه‌ها

در این قسمت فرضیه‌های پژوهشی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به منظور استفاده از آزمون‌های پارامتریک و بررسی فرضیه‌ها، نیاز است دو پیش فرض نرمال بودن توزیع متغیرها در جامعه و



تساوی واریانس‌ها بررسی شود. لذا در ابتدا این دو پیش فرض برای کلیه متغیرها آورده می‌شود، سپس در بررسی تک تک فرضیه‌ها نیز به مرور دوباره آن‌ها پرداخته می‌شود. نتایج آزمون شاپیروویلیک در مورد پیش فرض نرمال بودن نمرات کلیه متغیرها در جامعه، در جدول (۴-۹) ارائه شده است.

### نتیجه گیری

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که، آموزش مبتنی بر مهارت‌های زندگی بر کاهش میزان زورگویی موثر بوده است و آموزش به کار گرفته شده در برنامه آموزشی، الگویی از مهارت‌های زندگی و شیوه‌های مناسب برخورد در موقعیت‌های مختلف را به کودکان ارائه داده است. با توجه به وجود تفاوت معنی دار بین گروه‌های آزمایشی در پس آزمون و در دوره پیگیری می‌توان گفت که برنامه آموزش مبتنی بر مهارت‌های زندگی در کاهش زورگویی کودکان به عنوان دو روش آموزشی موثر و مکمل برای کاهش زورگویی در کودکان زورگو، قابلیت استفاده دارد.

### پیشنهادات پژوهش

پیشنهاداتی که می‌توان از این پژوهش برداشت نمود و به کار بست عبارتند از: (۱) پیشنهاد می‌شود که پژوهش حاضر در مورد سنین و مقاطع مختلف تحصیلی تکرار شود. (۲) پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی تاثیر مداخله آموزش کودکان از طریق آموزش معلمان نیز مورد بررسی قرار بگیرد.

### منابع و مآخذ

• استکی آزاد، ن و امیری، ش، (۱۳۹۱)، اثربخشی برنامه آموزشی کاهش زورگویی مبتنی بر روش الویز در پسران، مجله روانپزشکی و روان شناسی بالینی ایران، سال هیجدهم، شماره ۳،

صص ۱۷۵-۱۸۳



- امیری، ش. (۱۳۸۴)، بررسی پیشرفت تحصیلی در گروه‌های جامعه سنجی، مجله روان‌شناسی، سال نهم، شماره ۲، صص ۱۳۹ تا ۱۵۰.
- دانگل، ر؛ پولستر، ر. (۱۳۸۷)، آموزش مهارت‌های کنترل کودک. ترجمه حسن تونزنده جانی و نسرين کمال پور، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- طبائیان، ر؛ امیری، ش و مولوی، ح، (۱۳۹۰)، بررسی ساختار عامل، پایایی، روایی و روایی تشخیصی مقیاس سنجش روابط همگان (PRQ)، دو فصلنامه مطالعات آموزش و یادگیری. شماره ۶۱، صص ۸۳-۶۳.
- کراتوچویل، ت و موریس، ر، (۱۳۸۴)، روان‌شناسی بالینی کودک (روش‌های درمانگری) ترجمه محمد رضا نائینیان و دیگران. تهران: انتشارات رشد.
- محمدی، م، (۱۳۸۷)، بررسی اثربخشی آموزش والدین بر میزان علائم نافرمانی در کودکان دارای علائم اختلال نافرمانی مقابله‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- مک‌گرا، فیلیپ. (۱۳۸۰)، مهارت‌های علمی زندگی، ترجمه مهدی قراچه‌داغی. هران: نشر پیکان
- ملک پور، م، (۱۳۸۳)، روش‌های ایجاد و تغییر در رفتار کودکان، اصفهان: انتشارات مولانا.
- ناظر، م؛ بیرشک، ب و جلیلی، ب، (۱۳۷۹)، کاربرد سه روش درمانی در کاهش رفتار پرخاشگرانه کودکان پرخاشگر، اسرار مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی سبزوار، سال هفتم، شماره ۳، صص ۸۲-۷۷.
- نصر اصفهانی، م، (۱۳۸۸)، مقایسه اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی و آموزش والدین بر پرخاشگری پسران دارای اختلال سلوک مقطع ابتدایی شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- واحدی، ش و فتحی آذر، ا، (۱۳۸۵)، آموزش کفایت اجتماعی در کاهش پرخاشگری پسران پیش‌دبستانی، فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال هشتم، شماره ۳۱، صص ۱۴۰-۱۳۱.



- هانتر، کک، (۱۳۷۸)، آموزش مهارت‌های زندگی، ترجمه، نسیم عبدالله زاده، تهران: سازمان بهزیستی کشور و یونیسف.
- Alicia, G., M. S. W., (۲۰۰۷). School-based bullying: The psychological impact of school bullying among children. California State University, Long Beach.
- Alicia, O., (۲۰۰۶). Prevalence of bullying among elementary school children as a function of the comprehensiveness of anti-bullying policies and programs in the school. Preliminary findings. Dissertation of Doctor of Philosophy Ball State University.
- American Medical Association (۲۰۰۲, May). Educational forum on adolescent Health: youth bullying. Retrieved August ۱۲, ۲۰۰۴, from <http://www.amaassn.org/amal/pub/upload/mm/۳۹/youthbullying.pdf>
- American Psychiatric Association. (۲۰۰۰). Diagnostic and statistical manual of mental disorders (۴th ed., text rev.). Washington, DC: Author.
- Anonymous. (۲۰۰۹). Bullying; New bullying in children data have been reported by scientists at University of Tromso, Institute of Clinical Medicine. Mental Health Weekly Digest. pg. ۱۵۲.
- Anonymous. (۲۰۰۹). Bullying; Research results from Turku University update knowledge of bullying in children. Mental Health Weekly Digest. pg. ۱۷۹